

شهر، شهر و ند، تمدن

یونسکو در سال ۱۹۹۵ جایزه‌ای به نام «جایزه شهرها برای صلح» در نظر گرفت. این جایزه به شهرداری‌هایی اعطا می‌شود که اقداماتشان باعث «تقویت انسجام اجتماعی، بهبود شرایط زیستی در محله‌های فقیرنشین و تحکیم روح همیاری و هماهنگی شهری» شده باشد. جایزه مذکور هر دو سال به پنج شهر در پنج منطقه مختلف جهان تعلق می‌گیرد.

اداره شهرها در عصر کنونی اهمیتی ویژه یافته است و برنامه «مدیریت تحولات اجتماعی» (MOST) که به ابتکار یونسکو در ۱۹۹۴ آغاز شده شامل تحقیقات در خصوص تحولات محیط شهری و سپس انتقال نتایج تحقیق به مسئولان شهراست. یونسکو معتقد است که شهرها و مخصوصاً کلان‌شهرها آزمایشگاه عصری جدید هستند که سرنوشت جامعه بشری در آن رقم می‌خورد. از آغاز قرن آینده اکثریت جمعیت جهان را شهرنشینان تشکیل خواهند داد و جمعیت شهری جهان تا ۲۰۱۵ نسبت به ۱۹۵۰ دو برابر خواهد شد. در این فاصله، جمعیت شهرهایی که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند نیز هشت برابر خواهد شد. این روند سرگیجه‌آور شهرنشین شدن که در غالب کشورهای فقیر همچنان ادامه دارد هم توازن طبیعی و هم ساختارها و تناسب‌های انسانی و اجتماعی را مختل می‌کند.



فدریکو مایور

شهر منابع عظیمی از انرژی، آب، غذا و مواد را می‌بلعد و به‌جای آن زباله و آلودگی ایجاد می‌کند. محیط پیرامون شهرها دیگر توان ارائه نیازها و جذب فضولات آنها را ندارد. مسئولان شهرها نیز دیگر قدرت کوشش در صورتی که بخواهند و بتوانند - برای پاسخگویی به ابتدایی‌ترین نیازهای ساکنان مانند یک سقف، یک شیر آب، یک فاضلاب، برق و جاده‌ای مناسب را از دست می‌دهند. به‌علاوه، آنها نمی‌توانند - یا نمی‌خواهند - از مازاد انرژی و نیروی ابتکار شهروندان برای منافع همگانی استفاده کنند. در صورتی که همین نیروی فوق‌العاده است که می‌تواند زیربنای توسعه پایدار و پویای شهرها قرار گیرد.

ریشه واژه‌های شهر، شهروند و شهروندی یکی است. شهروند اصولاً کسی است که حق دارد در شهر زندگی کند و با برخورداری از حقوق و انجام وظایف شهروندی‌اش به تشکیل تمدن یاری می‌رساند.

شهرها که فعلاً صحنه فشار از پایین و فلج در بالا هستند، در حقیقت نقش نمونه‌ای را ایفا می‌کنند که آینده تمدن در آن رقم می‌خورد. در شهرها شاهد این خطر عظیم هستیم که جامعه‌ای فاقد همبستگی شکل گیرد که در آن هر کس فقط در اندیشه خویش باشد. اگر در ایجاد انواع روابط بین شهروندان کوتاهی صورت گیرد، وحدت شهر در هم خواهد شکست و هر تکه از آن به شکل گروهی براساس طبقه، نژاد، فرهنگ و مذهب جلوه خواهد کرد. این قطعات پراکنده قادر نیستند کلیتی واحد را تشکیل دهند. آنها چنان به‌سوی درون جمع خواهند شد که با پدید آوردن نوعی آپارتاید شهری تا مرز دفاع فیزیکی از خود در برابر سایر گروه‌های شهری پیش خواهند رفت.

ریشه واژه‌های شهر، شهروند و شهروندی یکی است. شهروند اصولاً کسی است که حق دارد در شهر زندگی کند و با برخورداری از حقوق و انجام وظایف شهروندی‌اش به تشکیل تمدن یاری می‌رساند. این بدان معناست که انسانی‌سازی شهرها برای آینده همه ما اهمیت حیاتی دارد. این رویایی غیرممکن نیست و نمونه‌های آن در شمال، جنوب، شرق و غرب فراوان است.

اما شرط ضروری برای تحقق این رویا ایجاد ساختاری برای اداره شهر است که مردم در آن مشارکت کامل داشته باشند و مفهوم راستین شهروندی در آن مصداق پیدا کند. فقط در این صورت است که شهر می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های خلاق همه شهروندان اعم از مرد و زن، پیر و جوان، فقیر و غنی در خدمت همه آنان قرار گیرد.